

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۱۵۱-۱۸۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳

مطالعه جامعه‌شناختی عاملیت زنان: مورد مطالعه شهر کرمانشاه

علی مرادی^۱

چکیده

یکی از مسائل مورد توجه اندیشمندان جامعه‌شناسی، توجه به عاملیت و فاعل بودن زنان در کنش‌های روزمره اجتماعی و به‌طور کلی در رفتارهای اجتماعی می‌باشد. هدف اصلی این مطالعه جامعه‌شناختی عاملیت زنان با تأکید بر شهر کرمانشاه می‌باشد. این مطالعه با روش توصیفی و تکنیک پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه روی ۴۰۰ نفر از زنان شهر کرمانشاه انجام گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و از آزمون‌های مقایسه میانگین‌ها و ضریب همبستگی استفاده به عمل آمد. در این مطالعه شاخص‌هایی مانند قدرت تصمیم‌گیری بعد از ازدواج، استقلال و آزادی، مالکیت و توانایی رفتن به اماکن مختلف برای زنان به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های عاملیت زنان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که متغیرهایی مثل سن ($F=0/26$) تجربه مزاحمت‌های خیابانی ($F=-0/31$)، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی ($F=0/33$)، وضعیت شغلی همسر ($F=5/13$)، محل تولد ($F=5/512$)، اوقات فراغت ($F=0/31$) بر روی عاملیت زنان تأثیر معناداری دارد. اجرای استراتژی‌هایی مثل استراتژی ارائه خدمات مالی، استراتژی اشتغال و استراتژی مهارت‌های زندگی و حمایت اجتماعی می‌تواند عاملیت زنان را در جامعه تقویت نماید.

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان، عاملیت زنان، قدرت تصمیم‌گیری، استقلال و آزادی.

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام آبادغرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آبادغرب، ایران.

مقدمه

یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور، حضور فعال و مشارکت مؤثر زنان در جامعه از دیرباز اهمیت داشته است. حضور جدی زنان در فعالیتهای اقتصادی و کسب‌وکار، همراه با روند تکامل اشتغال آنها تغییرات بنیادینی در نقش سنتی آنها به وجود آورده است و این تغییر در نقش سنتی زنان در کشورهای در حال توسعه یا کم‌تر توسعه یافته اهمیت خاصی دارد. چرا که در اغلب این کشورها، استفاده از نیروی زن متخصص، پدیده‌ای نسبتاً جدید است (اسکندری، ۱۳۸۸: ۱۵). زنان در اقصی نقاط جهان در طیف گسترده از فعالیتهای اجتماعی مشارکت دارند؛ اما عامل بودن آنها به معنای تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و خانوادگی و همچنین در جایگاه‌های مدیریتی نقش کم‌رنگ‌تری دارند و هنوز در جوامع نسبتاً سنتی نقش دوم را ایفا می‌کنند. از طرفی می‌توان گفت امروزه به بهانه آزادی و رهایی زنان از قیدوبند مردان، بسیاری از شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای سرابی را برای زنان طراحی کرده‌اند که توسط آنها نه تنها انتظارات آنها را برآورده نمی‌سازد بلکه به نوعی تخریب زندگی خصوصی، خانوادگی و اجتماعی را توسط آنها رقم زده‌اند.

تعاریف نسبت به عاملیت^۱ زنان و مفاهیم مربوطه از دهه ۱۹۷۰ به بعد تکامل یافته و واژه‌هایی همچون شرایط زنان، تساوی جنسیتی، استقلال زنان بیانگر آن بوده و سازه‌های متفاوتی را شامل می‌شوند. به شکل تاریخی وضعیت زنان شامل منافع بوده که با آموزش‌ها هماهنگ بوده و کاهش باروری خانواده را تسریع نموده برخی محققان این روند را ثابت دانسته و همچنین غیردقیق و نامرتب به شمار رفته که فاقد ارجاعات نسبت به تأثیر زنان در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد (یونت^۲، ۲۰۱۵: ۱). عاملیت زنان به معنای توانایی تصمیم‌گیری‌های استراتژیک در محدودیت‌های در دست تکامل تاریخی بوده که منابع اجتماعی نسبت به آن را نیز شامل می‌شود؛ بنابراین در سطح شناختی و رفتاری مدنظر بوده که روابط گروهی در سطح اجتماعی را شامل می‌شود. آگنومه توانمندسازی را به معنای دستیابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می‌داند که موجب احساس استقلال و

1- Agency

2- Yount

اعتماد به نفس بیشتری در آنها می‌شود. این فرایند موجب افزایش عزت‌نفس زنان می‌گردد به این معنا که موجب بهبود تصویری و تصویری می‌شود که زنان از وضعیت خودشان دارند (آگبومه^۱، ۲۰۰۱: ۲۳۹). با اینکه عوامل متفاوتی در کشورهای مختلف بر میزان بازدارندگی عاملیت زنان تأثیر دارد، اما آمارهای جهانی نشان می‌دهد که عوامل بازدارنده مشترکی در کشورهای مختلف وجود دارد که همچنان بر میزان عاملیت زنان تأثیر می‌گذارد. تحصیل، بازار اقتصادی، خانه‌داری، میزان خشونت علیه زنان در اجتماع و در خانه، عرف‌های اجتماعی و قانون از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر میزان عاملیت زنان در سطح جهانی هستند. توانمندی زنان و نقش تعیین‌کننده آن در توسعه پایدار از جمله موضوعاتی است که در حال حاضر از نظر تئوری و کاربرد به آن توجه می‌شود. از آن جایی که عاملیت زنان یک پدیده اجتماعی است و پدیده‌های اجتماعی تک علتی نیستند عاملیت شدن زنان به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد. از طرفی عواملی درونی چون وضعیت جسمانی، روانی، وضعیت اقتصادی خانواده بر عاملیت فرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از طرف دیگر ساختارهای موجود اجتماعی در این مورد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

در شهر کرمانشاه روابط خانوادگی شامل ویژگی‌های مشترکی بوده که مدل‌های سنتی پدرسالاری را شامل شده و درک تأثیر آن در این محیط انجام می‌گیرد؛ بنابراین مرد خانواده در راس قرار می‌گیرد. نسل و دارایی از طریق مرد منتقل شده و عروس‌ها خانه پدری را ترک و برای بچه‌داری و به دنیا آوردن پسر ترغیب شده که زن باید از مرد تبعیت نموده و مرد نیز حفاظت مالی و فیزیکی را برای وی فراهم می‌نماید. این رسم در کل خانواده منتقل شده و محدودیت نسبت به تعامل و حضور در فضای عمومی را شامل می‌شود. امروزه در کرمانشاه این نماد از طریق استفاده از چادر و استفاده از حمل‌ونقل‌های مختص زنان مشاهده شده که شامل دسترسی به منابع اجتماعی بوده که اعتبار زن نیز حفظ شده و عمدتاً تعاملات از طریق ازدواج صورت می‌گیرد. در نتیجه زنان و زندگی آنها وابسته به مردان بوده و بین مردان منتقل شده که وابستگی به حفاظت زنان را شامل شده و آسیب‌پذیری زنان نسبت به سیستم پدرسالاری را شامل می‌شود؛ بنابراین ممکن است رفاه اجتماعی، اقتصادی و وضعیت اجتماعی وی نزول کرده که این امر نیازمند سازگاری زن با مرد و

تضمین حفاظت خود می‌باشد؛ بنابراین طبقات پدرسالاری به‌گونه‌ای برقرار بوده که قدرت از زنان سلب شده و مزایا و کاهش ریسک در صورت سازگاری برای حفظ شرایط به آن‌ها وعده داده می‌شود. بنابراین شناسایی عوامل مؤثر بر عاملیت زنان در مدیریت از چندین جهت شایان توجه است:

هرچند حضور زنان در سازمان‌ها بیش‌تر شده است، اما ارتقای شغلی زنان در رده‌های بالاتر هرم سازمانی بسیار اندک و با رشدی کند مواجه است.

مسئله بسیار مهم دیگر این است که در بحران استعدادها و یافتن افراد کلیدی برای مشاغل بالای سازمانی، با حذف حضور زنان در رده‌های بالاتر مدیریتی به‌طور طبیعی یافتن این افراد مستعد محدودتر شده است.

بی‌تردید زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت تأثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند. در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیش‌تر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیش‌تر خواهد بود؛ زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش نرخ باوری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه سبب افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌شود (توکلی والا، ۱۳۸۵: ۱۳). زنان بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی را به‌طور رسمی و غیررسمی انجام می‌دهند که چنانچه به استعدادهای بالقوه آن‌ها توجه شود، یکی از منابع سرمایه‌گذاری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌توانند باشند (سفیری، ۱۳۷۷: ۱۲۹). هدف کلی این پژوهش مطالعه جامعه‌شناختی عاملیت زنان در شهر کرمانشاه است. اهداف ویژه به‌شرح ذیل است:

تعیین میزان عاملیت به تفکیک شاخص‌های مربوطه؛

تعیین تأثیر کیفیت رابطه با شوهر بر روی عاملیت زنان؛

تعیین تأثیر وضعیت اوقات فراغت بر روی عاملیت زنان؛

تعیین تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر روی عاملیت زنان؛

تعیین تأثیر تجربه مزاحمت خیابانی بر روی عاملیت زنان؛

تعیین تأثیر متغیرهای جمعیتی (وضعیت اشتغال، محل تولد، میزان درآمد، میزان تحصیلات، سن) بر روی عاملیت زنان.

مبانی نظری پژوهش

بحث عاملیت زنان، از دیرباز دغدغه‌اندیشه زنان بوده است. این دغدغه آن قدر فراگیر است که زنان در طول تاریخ هم در حوزه ماورالطبیعه مباحث فراوانی را به آن اختصاص داده و هم در عرصه زندگی زمینی‌اش تلاش کرده به شیوه‌ای علمی برای آن پاسخی بیابد. در حوزه علوم اجتماعی می‌توان با اندکی تقلیل و چشم‌پوشی از جزئیات، نظریه‌پردازان کلاسیک را -برحسب گرایش‌شان به دو پدیده ساختار و کنش- در دو گروه کلی تقسیم‌بندی کرد: نظریه‌پردازانی که کنش را عامل شاکله بخش زندگی هرروزه انسان می‌دانند، ذهن انسان را خارج از ساختار بیرونی دارای قابلیت انتخاب دانسته و در نتیجه رجوع به آن را اصلی اساسی در اندیشه فلسفی و اجتماعی تلقی کرده‌اند؛ در حالی که گروه مقابل ذهن عامل انسانی را نیز برآیند ساختار دانسته و بر چیرگی ساختار بر انسان در تمامی ابعاد باور دارند.

دیدگاه آنتونی گیدنز: گیدنز اشاره کمی به صورت اختصاصی به زنان یا جنسیت داشته است. بیشترین اشاره او به زنان یا جنسیت بیشتر در قالب توجهی که او به تغییر شکل صمیمیت یا تغییر شکل خانواده در مدرنیته متأخر داشته ابزار شده اما به صورت مستقیم تحلیلی جنسیتی ارائه نکرده است. او به طور کلی اشاره کرده که قبل از مدرنیته زنان همواره به نحوی از انجا از مشارکت کامل در عرصه فعالیت اجتماعی که پدیدآورنده همین تعدد انتخاب‌ها است محروم می‌شده‌اند. در جوامع کنونی، زنان فرصت اسمی آن را دارند که در طیف وسیعی از امکانات گوناگون شانس خود را بیازمایند اما در فرهنگ‌های مردسالار امروزی بسیاری از این راه‌ها به روی زنان بسته می‌ماند. علاوه بر این برای استفاده از امکاناتی هم که موجود است زنان باید هویت قبلی و «تثبیت شده» خود را به میزان بیشتری نسبت به مردان از دست بدهند. به عبارت دیگر زنان گشودگی مدرنیته متأخر را به طرز کامل‌تر و البته تناقض‌آمیزتر تجربه می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۱: ۱۵۴). گیدنز ساختار را برحسب قواعد و منابع تعریف می‌کند (کرایب، ۱۳۸۸: ۱۴۴). او معتقد است جامعه‌شناسی فقط با در نظر گرفتن کردارهای اجتماعی به عنوان موضوع مطالعه می‌تواند بر دوگانگی سنتی کنش و ساختار فائق آید. این دوگانگی در واقع دووجهی بودن است: یک «چیز» یا یک موضوع مورد مطالعه با دو وجه وجود دارد، براساس نظریه ساختاربندی، قلمرو پژوهش اساسی علوم

اجتماعی نه تجربه کنشگر فردی و نه وجود نوعی کلیت اجتماعی بلکه کردارهای اجتماعی سامان یافته در زمان و مکان است (کرایب، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۴). قواعد از نظر گیدنز در جمع و در ارتباط با اجتماع معنی می‌یابند. این قواعد را نمی‌توان جدا از منابع اجتماعی مفهوم‌سازی کرد. قواعد متضمن رویه‌های ارزشمند تعامل اجتماعی است قواعد از یک سو به شکل‌گیری معنا مربوط است و از سوی دیگر منوط به تأیید شیوه‌های رفتار است.

جایگاه زن در جهان مدرن بدین شکل از روابط منفعل در محیط زندگی روزمره و نگاه‌های سنتی به زن رهایی یافت. زن سنتی در یک پیوستار درازمدت در نقش‌های زنانه و هویت تعیین‌یافته‌ای برخاسته می‌شد که تحت سیطره تقسیم کار سنتی به زادوولد و پرورش کودکان گره می‌خورد و وظایف خانگی و تولید مثل اساسی‌ترین دغدغه او به حساب می‌آمد؛ اما تحولات زندگی نوین و دگرگونی در سبک‌های زندگی و به دنبال آن پیشرفت‌های تکنولوژی در ابزارهای پیشگیری و به تأخیر انداختن زادوولد و تغییرات ژنتیکی در نوع زادوولد و غیره موجبات شکلی از رابطه را به وجود آورد که گیدنز آن را رابطه‌ای ناب خواند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

دیدگاه نظری چافتز: با بررسی موضوع عاملیت به تبیین تغییر ساختار جنسیتی در جامعه اقدام کرده است. چافتز عاملیت را «فرصت انتخاب از میان به دلیل‌هایی که پاداش‌دهنده بوده و تنبیه شدیدی به دنبال نداشته باشد» تعریف می‌کند. او اشاره کرده که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، گروه‌های گوناگون (جنسیتی، طبقاتی، نژادی و قومیتی) دارای مقادیر و انواع متفاوتی از فرصت‌های انتخاب هستند و کسانی که در موقعیت‌های مسلط اجتماعی هستند معمولاً دارای گزینه‌های بسیار بیشتر و بهتر از کسانی هستند که در موقعیت‌های تحت سلطه قرار گرفته‌اند (چافتز، ۲۰۰۶: ۶۱۵-۶۱۴).

دیدگاه نظری بوردیو: از دیدگاه بوردیو زنان در جامعه مدرن سرمایه‌هایی در اختیار گرفته‌اند که در میدان‌های اجتماعی (از جمله میدان خانواده) آن‌ها را واجد قدرت بیشتری کرده است. افزایش سرمایه‌های در دسترس زنان باعث باز توزیع قدرت در میدان و منازعه بر سر بازتعریف قواعد شده است که نمود آن در باز توزیع قدرت بین کسانی تجلی می‌یابد که از موقعیت مسلط در میدان بهره‌مند هستند (مردان) و قدرت خود را در جهت تثبیت هر چه بیشتر تعریف و توزیع سنتی سرمایه به کار می‌برد با کسانی که با سنت‌شکنی خواهان

ارتقای موقعیت فرودست خود با توسل به دگرگونی قواعد هستند (زنان) زیرا با باز تعریف قواعد سرمایه‌ها نیز با توزیع خواهد شد. به بیان دیگر میزان قدرت زنان در خانواده و تمایل ساختار قدرت به سوی آن‌ها باعث می‌شود آن‌ها بتوانند قواعد موجود در میدان خانواده را طوری باز تعریف کنند که از قدرت خشونت نمادین کاسته شده و امکان بازنمایی هویتی مستقل‌تر در سبک زندگی فراهم شود. سلايق و ترجیحاتی که انتخاب‌های سبک زندگی تابع آن‌هاست، روایتی از فرد است که بازتاب تعلقات ساختاری و ترجیحات فردی است. برخی از انتخاب‌ها از محدوده‌های ساختاری خارج شده و خصلتی فرا طبقه‌ای پیدا می‌کنند اما برخی دیگر تحت تأثیر فرصت‌های ساختاری فقط بر روی گروه خاصی گشوده می‌مانند. قدرت زنان در خانواده گرچه توزیعی طبقه‌ای دارد اما می‌تواند به‌عنوان منبعی توانمند ساز عمل کند به طوری که در میدان‌های دیگری غیر از خانواده نیز توانایی‌های انتخاب زنان را افزایش دهد. هرچه انتخاب‌ها از حصارهای سنتی بیشتر بیرون آمده و تنوع بیشتری داشته باشند عاملیت زنان را بیشتر نشان می‌دهند.

نظریه جنسیتی: نکته اصلی در نظریه جنسیتی این است که موقعیت تابعی زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم کلی اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند. یک موضوع کلیدی در نظریه‌های جنسیت، اختصاص کارخانگی (به‌ویژه مراقبت از کودک) به زن‌هاست. نظریه‌های جنسیتی همچنین تأکید که گرایش مشاغل زنانه برای این است که انعکاسی از نقش خانگی زنان باشد (نظیر آموزگاری و پرستاری) و درست همان‌طور که در بیش‌تر جوامع کار خانگی زن‌ها کم‌ارزش‌تر شده است، این مشاغل و مهارت‌ها نیز کم‌ارزش هستند. نقش عمده نظریه‌های جنسیتی نشان دادن این مطلب است که موقعیت زنان در بازار کار را می‌توان به‌عنوان جزئی از کل سیستم اجتماعی در نظر گرفت که در آن زن‌ها تابع مردان هستند (توکلی والا، ۱۳۸۵: ۲۱). تعلق کار خانگی به زن به‌خصوص تربیت فرزندان حتی وقتی که زن‌ها بیرون از خانه کار می‌کنند چیزی است که در کشورهای صنعتی هم دیده می‌شود. معمولاً مردان از زمانی که وارد بازار کار می‌شوند تا هنگام بازنشستگی در نیروی کار باقی می‌مانند و مشارکت آن‌ها تقریباً تحت تأثیر مراحل زندگی نیست در صورتی که مشارکت زنان ناپیوسته و منقطع است. آن‌ها بارها

در طی زندگی‌شان وارد بازار کار شده و الگوی نظریه‌های نابرابری و تبعیض جنسیتی به هر نوع رفتار، منش یا واکنشی اشاره دارد که از اعتقاد به فرودستی زنان سرچشمه می‌گیرد و راه را بر فعالیت آن‌ها می‌بندد. درباره ریشه‌یابی نابرابری‌های جنسیتی، تعابیر متفاوتی ذکر شده است. در مجموع می‌توان گفت چه بر اساس کارکردگرایان (منشأ تفاوت نقش‌های جنسیتی، تفاوت‌های زیستی و روانی دو جنس باشد) و چه بر اساس نظر تضادگرایان و بیش‌تر فمینیست‌ها، سلطه مردانه در نظام مردسالاری تفاوت نقش‌های جنسیتی را ایجاد کرده باشد، فرایندهای جامعه‌پذیری، باورها و نگرش‌های مربوط به تفاوت نقش‌های جنسیتی را ایجاد و تثبیت می‌کنند (سراج زاده و جواهری، ۱۳۸۵: ۱۱).

نظریه سقف شیشه‌ای: زنان در سال‌های اخیر، نسبت به گذشته از شانس بیشتری برای مدیریت بهره‌مند هستند اما سازمان‌ها هنوز هم در راه نگاه‌داشتن آن‌ها با مشکلاتی مواجه می‌شوند. این مشکلات به سقف شیشه‌ای مرتبط است که زنان با آن مواجه هستند و ممکن است یاس و ناامیدی برای زنان به همراه داشته باشد (کورتیز، ۲۰۰۵: ۱۷). هرچند بررسی‌ها نشان می‌دهد که دو جنس در پاسخ به شرایط گوناگون و کسب پاسخ‌های شرطی به‌گونه‌ای ملاحظه‌پذیر همانند هستند و تفاوتی میان آن‌ها دیده نمی‌شود (جعفرنژاد و اسفیدانی، ۱۳۸۴: ۷۹). پدیده فقدان موفقیت زنان در دستیابی به سطوح عالی مدیریت را در اصطلاح «سقف شیشه‌ای» می‌نامند. سقف شیشه‌ای اصطلاحی است که برای توصیف موانع نامرئی ناشی از تعصب‌های مسئولان سازمان‌ها علیه زنان ابداع شده است. این موانع در عمل زنان را از دستیابی به فرصت‌های برابر استخدامی و حقوق و دستمزد بازمی‌دارد. این اصطلاح اگرچه اولین بار در آمریکا شکل گرفت ولی در شرایط کنونی تعمیم‌پذیر به تمام شرایطی است که زنان برای رسیدن به مشاغل بالای مدیریتی با آن مواجه هستند، یعنی موانعی تبعیض‌آمیز بر سر راه خود برای دستیابی به سطوح بالاتر مشاهده می‌کنند (جزنی، ۱۳۸۷: ۷۰).

پیشینه پژوهش

صفوی و همکاران (۱۳۹۳) مطالعه‌ای تحت عنوان توانمندسازی اقتصادی دختران و زنان جوان در کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب انجام دادند. در این مطالعه مروری، مقالات و گزارش‌های ارائه شده در سایت بانک جهانی، AGALII مرکز بانک

جهانی فقر و گروه جنسیتی آمریکا و منطقه کارائیب و استراتژی‌های به‌کار گرفته شده در ۲۳ پروژه توانمندسازی در بیست و چهار کشور، مرور، تحلیل، دسته‌بندی و مقایسه شدند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که به‌کار گرفتن استراتژی‌های متنوع با توجه مقتضیات و عوامل فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی متفاوت، احتمال موفقیت برنامه‌های توانمندسازی را افزایش می‌دهد.

کتابی و همکاران (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای بر روی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان نشان داده‌اند که افزایش سطح تحصیلات، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی در افزایش توانمندی زنان نقش مؤثر دارد. از میان این متغیرها، افزایش سطح تحصیلات بیشترین تأثیر مستقیم و سایر متغیرها تأثیر غیرمستقیم در توانمندسازی دارند.

پهلوان (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان بررسی موانع موجود برای احراز پست‌های مدیریتی زنان ادارات دولتی شهرستان رامسر دو تغییر تحصیلات و داشتن مسئولیت خانوادگی، نسبت به سایر عوامل رابطه بیشتری با دستیابی به پست‌های مدیریتی داشته‌اند.

رفعت‌جاه و قربانی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقای شغلی زنان اقدام کرده است. در این زمینه تحقیقاتی وجود دارد که نشان می‌دهند افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان می‌تواند سطح فساد را در یک جامعه کاهش دهد.

یونت و همکاران ۱ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان اندازه‌گیری عاملیت زنان در مصر: مطالعه تأییدی در سطح ملی، با استفاده از داده‌های ملی از ۶۲۱۴ زن متأهل در سنین ۱۶-۴۹ سال که در نظرسنجی پنل بازار کار مصر در سال ۲۰۰۶ شرکت داشته‌اند. نتایج نشان می‌دهد عاملیت زنان در مصر چندوجهی بوده و شامل ۱- تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های خانوادگی از جمله موارد رزرو شده برای مردان، ۲- آزادی حرکت در فضاهای عمومی و ۳- دیدگاه‌ها نسبت به جنسیت خصوصاً خشونت علیه همسران می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزش استراتژی تحلیلی تحقیق نسبت به ابعاد و عوامل عاملیت زنان قابل پذیرش بوده و این روش از کارایی مناسبی برای تمایز بین سلسله مراتب شواهد در

سیاست‌های اجتماعی و برنامه‌های بهبود توانمندسازی زنان برخوردار می‌باشد (یوونت و همکاران، ۲۰۱۵: ۱-۲۲).

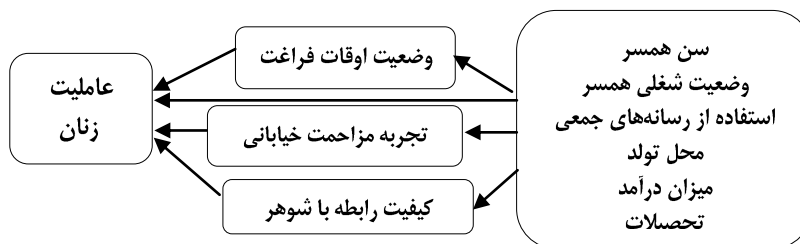
مطالعه‌ای که پهادکه^۱ (۲۰۱۲) در هند در این باره انجام داده نشان می‌دهد که زنان برای خلق چنین امنیتی در فضای شهر دست به کنش‌های مختلفی من جمله تردد گروهی، همراه داشتن موبایل یا حتی حمل اسلحه می‌زنند.

آدلمن^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی دیگر معتقد است بدن جسمانی و ساختار فرهنگی و نمادین در حقیقت از هم جدانشدنی هستند و باید در زمینه مسائلی از قبیل طبقه، نژاد، جنسیت و گرایش جنسی فهم شوند، به طوری که تمرین‌های خاص ورزشی زنان را تشویق می‌کند تا در راه‌هایی که ممکن است صاحب قدرت شوند از خود دفاع کنند (آدلمن، ۲۰۰۸: ۵۶).

در جمع‌بندی مطالعات پیشین می‌توان گفت الف- عاملیت زنان چندوجهی و وابسته به محیط بوده و با برخی استثنائات تلاش‌ها برای اندازه‌گیری عاملیت و ابعاد آن بیشتر متمرکز بر جنوب آسیا بوده است. ب- بیشتر تحقیقات نسبت به عاملیت زنان شامل استفاده از داده‌های ثانویه از نظرسنجی‌های چندگانه بوده که شامل تعداد محدودی از گزینه‌های مرتبط با عاملیت می‌باشد. به طور کلی تلاش‌های بسیاری برای عملیاتی سازی عاملیت زنان به شکل پراکنده بوده که انتخاب روی عوامل غیرنظری و مبتنی بر داده‌ها بوده است.

دستگاه نظری پژوهش

نمودار زیر روابط بین متغیرهای این پژوهش را در قالب مدل تجربی تحقیق نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۱: مدل تجربی تحقیق

1- Phadke, Shilpa

2- Adelman

جدول شماره ۱: مدل نظری پژوهش

ایده نظری	استنتاج نظری	ارائه فرضیه متغیرها
تحولات زندگی نوین و دگرگونی در سبک‌های زندگی و به دنبال آن پیشرفت‌های تکنولوژی در ابزارهای پیشگیری و به تأخیر انداختن زاد و ولد و تغییرات ژنتیکی در نوع زاد و ولد و غیره موجبات شکلی از رابطه را به وجود آورد که گیدنز آن را رابطه‌ای ناب خواند.	پیشرفت‌های تکنولوژی در ابزارهای پیشگیری و به تأخیر انداختن زاد و ولد و تغییرات ژنتیکی در نوع زاد و ولد و غیره موجبات شکلی از رابطه را به وجود آورد	نگرش به فرزندآوری بر نگرش به فرزندآوری زنان تأثیر دارد
کسانی که در موقعیت‌های مسلط اجتماعی هستند معمولاً دارای گزینه‌های بسیار بیشتر و بهتر از کسانی هستند که در موقعیت‌های تحت سلطه قرار گرفته‌اند.	شانس و فرصت‌های زندگی می‌تواند در عامل بودن و فاعل بودن افراد تأثیر داشته باشد.	اوقات فراغت بر عاملیت فراغت تأثیر دارد
برخی از انتخاب‌ها از محدوده‌های ساختاری خارج شده و خصلتی فرا طبقه‌ای پیدا می‌کنند اما برخی دیگر تحت تأثیر فرصت‌های ساختاری فقط بر روی گروه خاصی گشوده می‌مانند. قدرت زنان در خانواده می‌تواند به‌عنوان منبعی توانمند ساز عمل کند.	هرچه انتخاب‌ها از حصارهای سنتی بیشتر بیرون آمده و تنوع بیشتری داشته باشند عاملیت زنان را بیشتر نشان می‌دهند.	اوقات فراغت بر عاملیت فراغت تأثیر دارد
نکته اصلی در نظریه جنسیتی این است که موقعیت تابعی زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم کلی اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند.	وضعیت شغلی، تحصیلی، میزان درآمد و موقعیت اقتصادی زنان تابعی از کلیت سیستم اجتماعی است.	اشتغال، درآمد و موقعیت طبقاتی زنان بر عاملیت طبقاتی تأثیر دارد.

فرضیه‌های پژوهش

بین میزان تجربه مزاحمت خیابانی و عاملیت آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد.

بین میزان تحصیلات و عاملیت آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد.

بین میزان درآمد و عاملیت آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد.

بین سن و عاملیت آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد.

وضعیت اشتغال بر عاملیت زنان تأثیر معناداری دارد.

محل تولد بر عاملیت زنان تأثیر معناداری دارد.
 بین کیفیت رابطه با همسر و عاملیت آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد.
 بین چگونگی گذران اوقات فراغت و عاملیت آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد.
 بین استفاده از رسانه‌های جمعی و عاملیت آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

در علوم اجتماعی پژوهش با استفاده از دو رویکرد اصلی انجام می‌گیرد. یکی رویکردهای کمی است و دیگری رویکردهای کیفی است. از آنجا که در این تحقیق محقق بر اساس یک چهارچوب قاعده‌مند حرکت می‌کند، سعی در سنجش یک واقعیت معینی دارد، رویکرد مقتضی آن، رویکرد کمی می‌باشد. روش پژوهش در این مطالعه برحسب هدف، کاربردی است. از آنجا که اصول بنیادی مربوط به‌گزینش نمونه، استنباط‌ها و تعمیم‌ها از یافته‌ها و نتایج در مورد جمعیتی که نمونه از آن انتخاب شده است، در این پژوهش رعایت می‌شود و پژوهشگر در آن بر نتایج متمرکز می‌شود، لذا روش پژوهش در این مطالعه از نوع کاربردی است.

از نظر روش، در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی از نوع پیمایشی استفاده می‌شود. دلیل انتخاب این روش این است که در روش توصیفی، پژوهشگر به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی و آن چه هست، می‌پردازد و از طرفی هم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید، لذا پیمایشی است.

جامعه آماری مورد مطالعه کلیه زنان ۱۵ تا ۴۹ سال شهر کرمانشاه می‌باشد که در زمان پژوهش (سال ۱۳۹۵) و به استناد آمار سال ۱۳۹۵ تعداد کل آن‌ها برابر ۲۲۴۱۷ نفر می‌باشد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده به عمل آمد. روش نمونه‌گیری ترکیبی از روش‌های خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی است. در گام نخست، نقشه شهر کرمانشاه تهیه شد. بر اساس اطلاعات شهرداری کرمانشاه، کل منطقه مورد بررسی به چهار ناحیه غربی، شرقی و جنوبی و شمالی تقسیم شد. در مرحله بعد، نمونه‌گیری شمار بلوک‌های منتخب هر خوشه بر اساس حجم آن‌ها انجام شد؛ یعنی در هر

خوشه متناسب با حجم آن بلوک‌هایی به‌طور تصادفی انتخاب شد. برای انتخاب افراد در هر بلوک روش تصادفی افرادی از میان آن انتخاب شد.

در انتخاب حجم نمونه از جدول لین استفاده به‌عمل آمد. جهت انتخاب نمونه در این پژوهش سطح خطای $0/05$ و اطمینان 95 درصد در نظر گرفته شد و تعداد نمونه برابر 381 نفر به‌دست آمد. جهت اطمینان از تکمیل این تعداد از پرسشنامه‌ها و هم‌چنین بالا رفتن پایایی و روایی ابزار پژوهش 400 نفر در نظر گرفته شد و این تعداد در میان پاسخگویان توزیع گردید. در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه توأم با مصاحبه انجام خواهد گرفت. جهت اعتبار صوری گویه‌ها در اختیار اساتید و کارشناسان دانشگاه قرار گرفت. اظهارنظر این افراد در راستای سنجش گویه‌های هر طیف، در نهایت به گزینش گویه‌های مناسب برای هر طیف منجر شد. اما برای این که بدانیم آیا روش انتخاب شده موضوع مورد نظر را به‌طور دقیق می‌سنجد و روش سنجش تا چه اندازه پایایی دارد و شناخت همسانی نتایج در سنجش‌های مکرر باید سنجش روایی صورت گیرد. روایی این سؤال را مورد توجه قرار می‌دهد که اگر به شکل مکرر صفت یا چیزی را مورد سنجش قرار دهیم تا چه حد امکان دارد که نتیجه یکسانی حاصل شود. برای ارزیابی روایی ابزار گردآوری اطلاعات از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که برای برآورد گویه‌های رتبه‌ای در ابزار سنجش استفاده می‌شود. آلفای کرونباخ بین $0-1$ در نوسان می‌باشد که مطابق با آن هراندازه روایی گویه‌ها به سمت یک (1) میل کند و یا این که نزدیک شود، وسیله اندازه‌گیری به همان نسبت دارای روایی بالا خواهد بود و بالعکس. گویه‌ها از مطالعات انجام شده در کشورهای دیگر و هم‌چنین مطالعاتی که در داخل کشور انجام شده، اقتباس شده‌اند و پس از تغییرات و سازگار نمودن آن‌ها با وضعیت ایران، گویه‌های مناسب انتخاب شدند.

جدول شماره ۱: میزان آلفا کرونباخ برای برآورد پایایی ابزار پژوهش

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه	مقدار آلفا
۱	تجربه مزاحمت خیابانی	۱۳	$0/87$
۲	اوقات فراغت	۱۶	$0/84$
۳	عاملیت	۱۱	$0/79$

مفهوم عاملیت

عاملیت را به‌عنوان درگیری ساخت یافته موقتی کنشگران محیط‌های ساختاری مختلف-زمینه‌های موقتی نسبی کنش- که، از طریق روابط متقابل منش، تخیل و قضاوت، ساختارها را در واکنش به مسائلی که به‌وسیله تغییر موقعیت‌های تاریخی ایجاد می‌شود، هم باز تولید و هم تغییر می‌دهد. عاملیت به ظرفیت انتخاب رفتار اشاره می‌کند (Cockerham, 2005: 54-55). عاملیت فرایندی است که در آن زنان منابع مؤثر را حاصل نموده که از آن جمله می‌توان به آموزش، دارایی‌های مالی، حمایت خانوادگی اشاره نموده که به نوبه خود منجر به ارتقای عاملیت زنان گردیده و منجر به تعریف انتخاب‌های زندگی شخصی خود بدون مخالفت سایرین می‌گردد (یونت، ۲۰۱۵: ۶). جنسیت یکی از این مؤلفه‌های اجتماعی است که در بادی امر ریشه در ویژگی‌های بیولوژیک داشته و سپس نقش اجتماعی آن در فرایند رشد فرد قوت می‌یابد. بدین‌سان جنسیت از بنیان‌های شکل‌گیری نیازها و ترجیحات و در نتیجه از دلایل شیوه‌های رفتاری و کنش انسانی محسوب می‌شود. بدین ترتیب جنسیت عامل هویت بخش فرد به‌عنوان یک مرد یا یک زن بوده و عاملیت زنانه را از عاملیت مردانه تمایز می‌بخشد.

مفهوم عاملیت زنان مفهومی است که شامل چندین شاخص نسبت به توانایی زنان برای تصمیم‌گیری نسبت به تحرک‌پذیری خود در زمان پژوهش بوده و ارجاعات نسبت به ۶ مکان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بازار محلی، مراکز بهداشتی مجاور یا ارائه‌دهنده خدمات بهداشتی، مراکز مذهبی، خانه دوستان یا آشنایان و سینما و مراکز سرگرمی یا خارج شهر، این پاسخ‌ها شامل ۱- اجازه ندارم، ۲- با دوستان می‌روم، ۳- با اجازه همسر می‌روم، ۴- بدون اجازه همسر می‌روم (Phadke, 2012: 23).

کیفیت رابطه با شوهران: کیفیت روابط با شوهران از طریق سه متغیر اندازه‌گیری می‌شود. اولین متغیر از سؤالات مرتبط با رابطه با شوهران در پرسش از زنان حاصل می‌شود. سپس سؤال دوم نسبت به خوب بودن روابط یا دشواری‌ها و مشکلات در بازه بعد از پایان حاملگی را شامل می‌شود. دومین متغیر کیفیت زندگی زناشویی و خشونت خانگی را می‌سنجد، ضرب و شتم طی ۱۲ ماه گذشته، بررسی می‌شود. این پاسخ‌ها در یک معیار واحد

بکار رفته که شامل ۱- بدون خشونت، ۲- تجربه خشونت فیزیکی و ۳- تهدید یا سایر مشکلات توسط شوهر می‌باشد. سومین معیار کیفیت زندگی متأهلی بوده که مهم‌ترین معیار نیز می‌باشد و سیستم خانوادگی مشترک بر وفاداری تأکید نموده که تخمین روابط قوی با شوهر می‌باشد.

میزان تجربه مزاحمت خیابانی: متغیر وابسته در این پژوهش مزاحمت خیابانی است. مزاحمت‌های خیابانی به هر نوع عمل و لفظی که به نوعی آرامش و احساس امنیت عابران را از بین ببرد و نوعی احساس نگرانی و ناراحتی برای فرد عابر ایجاد کند، اطلاق می‌گردد؛ مزاحمت خیابانی در این پژوهش با استفاده از ۲۲ گویه در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. این متغیر در پنج بعد مزاحمت لمسی با استفاده از ۴ گویه، مزاحمت کلامی با استفاده از ۶ گویه، مزاحمت بصری با استفاده از ۳ گویه، مزاحمت تعقیبی با استفاده از ۴ گویه و مزاحمت رسانه‌ای با استفاده از ۵ گویه مورد سنجش قرار گرفت.

اوقات فراغت: زمان‌هایی است که فرد آن را طبق تمایل شخصی خود و برای خود تنظیم می‌کند و برنامه آن در مورد هرکس متفاوت است و به سلیقه، نیازهای روحی، سن و توان مالی فرد بستگی دارد. این متغیر با استفاده از ۱۶ گویه در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجش گردید.

یافته‌های پژوهش

داده‌های تحقیق حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ۴۰۰ نفر زن تکمیل گردیده و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است. پس از پایان یافتن گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ها، استخراج و آنگاه به کامپیوتر انتقال یافت و سپس با استفاده از بسته نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس سطوح سنجش متغیرها و طیف‌ها انجام گرفته، بدین ترتیب با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و جداول متقاطع نمونه‌های آماری، کلیه متغیرها در قالب

1- Statistical Package for Social Science (SPSS)

جداول توزیع فراوانی توصیف شده‌اند. همچنین برای تحلیل رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از تحلیل واریانس و آزمون F و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

میانگین سن پاسخگویان برابر ۳۳/۴۱ سال می‌باشد. به این معنا که متوسط سن افراد نزدیک به ۳۳ سال است. میانگین سواد پاسخگویان برابر ۱ می‌باشد. به این معنا که متوسط سواد افراد نزدیک به ۱ است. در مورد شغل پدر از کل پاسخگویان ۳۳/۳ درصد، شاغل دولتی، ۱۴ درصد، دارای شغل آزاد و ۴۸ درصد، از آن‌ها بیکار بودند. نتایج گویای آن است که بیشترین فراوانی مربوط به افراد بیکار می‌باشد. لذا مد (نما) در این متغیر افراد بیکار هستند. در مورد شغل فرد از کل پاسخگویان ۳۵/۳ درصد، شاغل دولتی، ۵۴/۷ درصد، دارای شغل آزاد و ۱/۷ درصد، از آن‌ها بیکار بودند. نتایج گویای آن است که بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که شغل آن‌ها آزاد می‌باشد. لذا مد (نما) در این متغیر افرادی هستند که شغل آن‌ها آزاد می‌باشد.

جدول شماره ۲: توزیع پاسخگویان برحسب شغل پدر

نام متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
وضعیت شغلی	۱۰۶	۳۵/۳
پدر	۱۶۴	۵۴/۷
بیکار	۵	۱/۷
وضعیت شغلی	۱۰۰	۳۳/۳
فرد	۴۲	۱۴
بیکار	۱۴۴	۴۸

نتایج نشان می‌دهد که میانگین سن پاسخگویان زمان ازدواج برابر ۲۱/۹۷ می‌باشد. همچنین انحراف معیار ۴/۲۹ و حداقل سن ازدواج پاسخگویان ۱۳ سال و حداکثر سن پاسخگویان در زمان ازدواج ۳۷ سال می‌باشد. میانگین سن شوهر پاسخگویان برابر ۳۷/۹۱ می‌باشد. همچنین انحراف معیار ۹/۱۰ و حداقل سن شوهر پاسخگویان ۱۷ سال و حداکثر سن شوهر پاسخگویان ۶۵ سال می‌باشد. میانگین استفاده از رسانه‌های جمعی پاسخگویان برابر ۳۵۰/۸۱ دقیقه می‌باشد. همچنین انحراف معیار ۱۳۷/۰۹ و حداقل استفاده از رسانه‌های

جمعی ۱۲۰ دقیقه و حداکثر استفاده از رسانه‌های جمعی ۷۴۰ دقیقه می‌باشد. از کل ۴۸/۳ درصد در مرکز استان، ۳۰/۳ درصد در مناطق شهری و ۱۹/۳ درصد در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. نتایج گویای آن است که بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که در مرکز استان زندگی می‌کنند. لذا مد (نما) در این متغیر افرادی هستند که در مرکز استان زندگی می‌کنند.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب رفتار با همسر را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که از کل پاسخگویان ۳۸/۰ درصد رفتار خشونت‌آمیز با همسرانشان ندارند، ۱۱/۷ درصد از خشونت فیزیکی علیه همسران خود استفاده می‌کنند و ۱۷/۰ درصد همسران خود را تهدید می‌کنند و ۳۱/۳ درصد اگر از دست همسرانشان عصبانی شوند آن‌ها را رها می‌کنند. از کل پاسخگویان ۸/۰ درصد، بیش از حد نسبت به جابه‌جایی همسران خود محدودیت قائل هستند، ۳۶/۷ درصد تا حدودی نسبت به جابه‌جایی همسران خود محدودیت قائل هستند، ۳۸/۳ درصد محدودیت کمی نسبت به جابه‌جایی همسران خود قائل هستند و ۱۵/۷ درصد هیچ محدودیتی نسبت به جابه‌جایی همسران خود قائل هستند.

جدول شماره ۳: توزیع پاسخگویان برحسب رفتار با همسر

نام متغیر	فراوانی	درصد	نام متغیر	فراوانی	درصد
اگر همسران از رفتار خشونت‌آمیز شما ناراحت	ندارد	۱۱۴	محدودیت رفتار خشونت‌آمیز	۲۴	۸/۰
شود چه رفتاری خشونت فیزیکی با شما خواهد داشت.	تهدید می‌کند	۵۱	تهدید می‌کند	۱۱۵	۳۸/۳
رها می‌کند	۹۴	۳۱/۳	رها می‌کند	۴۷	۱۵/۷
شما ناراحت	ندارد	۳۵	جابه‌جایی بعد ندارد	۱۱۰	۳۶/۷
شود چه رفتاری خشونت فیزیکی با شما خواهد داشت.	تهدید می‌کند	۵۱	تهدید می‌کند	۱۱۵	۳۸/۳
رها می‌کند	۹۴	۳۱/۳	رها می‌کند	۴۷	۱۵/۷

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب قدرت تصمیم‌گیری بعد از ازدواج را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که از کل پاسخگویان ۳۲/۰ درصد قدرت تصمیم‌گیری بعد از ازدواج در اختیار شوهر است، ۵۹/۷ درصد تا حدودی قدرت تصمیم‌گیری بعد از ازدواج با اجازه شوهر است، ۷/۰ درصد قدرت تصمیم‌گیری بعد از ازدواج بدون اجازه شوهر می‌باشد.

جدول شماره ۴: توزیع پاسخگویان برحسب قدرت تصمیم‌گیری بعد از ازدواج

نام متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
تا چه حد بعد از ازدواج قدرت تصمیم‌گیری دارید	۹۶	۳۲/۰
معمولاً در اختیار شوهر تا حدی با اجازه شوهر	۱۷۹	۵۹/۷
بدون اجازه شوهر	۲۱	۷/۰

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان رابطه با شوهر و استقلال بعد از ازدواج را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که از کل پاسخگویان، ۴۳/۳ درصد با شوهرشان رابطه خیلی خوب دارند، ۴۱/۳ درصد رابطه خوب، ۱۱/۳ درصد رابطه متوسط، ۲/۳ درصد رابطه ضعیف و ۷/۰ درصد رابطه خیلی ضعیف دارند. همچنین از کل پاسخگویان ۱۰/۳ درصد استقلال خیلی زیادی بعد از ازدواج دارند، ۱۳/۷ درصد استقلال خوب، ۴۳/۰ درصد استقلال در حد متوسط و ۲۴/۰ درصد استقلال کمی بعد از ازدواج دارند.

جدول شماره ۵: توزیع پاسخگویان برحسب رابطه با شوهر و استقلال بعد از ازدواج

خصیصه	میزان رابطه با شوهر		میزان استقلال بعد از ازدواج	
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
خیلی خوب	۱۳۰	۴۳/۳	۳۱	۱۰/۳
خوب	۱۲۴	۴۱/۳	۴۱	۱۳/۷
متوسط	۳۴	۱۱/۳	۱۲۹	۴۳/۰
کم	۷	۲/۳	۷۲	۲۴/۰
خیلی کم	۲	۰/۷	۲۴	۸/۰

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب واکنش شوهر نسبت به همسر در موارد مختلف سوزاندن غذا، قصور در مورد فرزندان، عصبانیت هنگام جر و بحث همچنین واکنش شوهر نسبت به همسر در زمان صحبت با دیگر مردها هدر دادن پول توسط مسر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶: توزیع وضعیت متغیر عصبانیت نسبت به همسر

نام متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
سوزاندن غذا	۱۰۲	۶۵	۶۸	۲۵	۳۹
تعداد					
درصد	۳۴/۰	۲۱/۷	۲۲/۷	۸/۳	۱۳/۰
قصور در مورد فرزندان	۲۱	۵۶	۷۵	۸۷	۵۰
تعداد					
درصد	۷/۰	۱۸/۷	۲۵/۰	۲۹/۰	۱۶/۷
جروبحث با همسر	۲۵	۳۴	۸۲	۸۵	۷۳
تعداد					
درصد	۸/۳	۱۱/۳	۲۷/۳	۲۸/۳	۲۴/۳
صحبت با دیگر مردها	۵۴	۷۰	۷۸	۵۸	۳۸
تعداد					
درصد	۱۸/۰	۲۳/۳	۲۶/۰	۱۹/۳	۱۲/۷
هدر دادن پول	۵۶	۵۳	۸۳	۴۹	۵۸
تعداد					
درصد	۱۸/۷	۱۷/۷	۲۷/۷	۱۶/۳	۱۹/۳

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضعیت مالکیت را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که از کل پاسخگویان ۲۸/۷ درصد، صاحب‌منزل مسکونی هستند، ۵۹/۳ درصد صاحب‌منزل مسکونی نیستند ۳۴/۳ درصد صاحب ماشین هستند؛ و ۵۳/۷ درصد صاحب ماشین نیستند، ۱۷/۷ درصد دارای زمین هستند و ۶۸/۷ درصد دارای زمین نیستند، ۸۷/۷ درصد دارای تلفن همراه هستند و ۶/۳ درصد تلفن همراه ندارند، ۷۴/۰ درصد دارای حساب بانکی، ۱۷/۷ درصد فاقد حساب بانکی هستند، ۳۳/۷ درصد به جزء موارد فوق دارای امکانات و وسایل دیگر هستند و ۹/۷ درصد فاقد امکانات دیگر می‌باشند نتایج گویای آن است که بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که صاحب تلفن همراه هستند. لذا مد (نما) در این متغیر افرادی هستند که صاحب تلفن همراه هستند.

جدول شماره ۷: توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت مالکیت

نام متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	نام متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
منزل مسکونی	دارم	۸۶	تلفن	دارم	۲۸/۷
	ندارم	۱۷۸	همراه	ندارم	۵۹/۳
ماشین	دارم	۱۰۳	حساب	دارم	۳۴/۳
	ندارم	۱۶۱	بانکی	ندارم	۵۳/۷
زمین	دارم	۵۳	سایر	دارم	۱۷/۷
	ندارم	۲۰۶	موارد	ندارم	۶۸/۷
				۲۶۳	۸۷/۷
				۱۹	۶/۳
				۲۲۲	۷۴/۰
				۵۳	۱۷/۷
				۱۰۱	۳۳/۷
				۲۹	۹/۷

جدول شماره ۸: توزیع پاسخگویان برحسب متغیر رفتن به مکان‌های مختلف را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که ۹/۷ درصد از کل پاسخگویان اظهار کردند قادر نیستند به این مکان‌ها بروند ۱۴/۷ درصد فقط با همسر یا دوستان به این مکان‌ها می‌روند، ۲۸/۷ درصد با اجازه همسر به این مکان‌ها می‌روند و ۳۲/۷ درصد بدون اجازه یا دادن اطلاع به کسی به این مکان‌ها می‌روند. ۶/۰ درصد از کل پاسخگویان اظهار کردند قادر نیستند به شبکه بهداشت بروند ۱۳/۳ درصد فقط با همسر یا دوستان به شبکه بهداشت می‌روند، ۲۶/۳ درصد با اجازه همسر به شبکه بهداشت می‌روند و ۳۱/۷ درصد بدون اجازه یا دادن اطلاع به کسی به شبکه بهداشت می‌روند. نتایج نشان می‌دهد که ۹/۳ درصد از کل پاسخگویان اظهار کردند قادر نیستند مکان‌های مذهبی بروند ۱۷/۷ درصد فقط با همسر یا دوستان به مکان‌های مذهبی می‌روند، ۲۸/۰ درصد با اجازه همسر به مکان‌های مذهبی می‌روند و ۲۳/۷ درصد بدون اجازه یا دادن اطلاع به کسی به مکان‌های مذهبی می‌روند.

نتایج نشان می‌دهد که ۴/۷ درصد از کل پاسخگویان اظهار کردند قادر نیستند به خانه دوستان و نزدیکان بروند ۲۴/۳ درصد فقط با همسر یا دوستان به خانه دوستان و نزدیکان می‌روند، ۳۵/۳ درصد با اجازه همسر به خانه دوستان و نزدیکان می‌روند و ۲۰/۰ درصد بدون اجازه یا دادن اطلاع به کسی به خانه دوستان و نزدیکان می‌روند. نتایج نشان می‌دهد که ۸/۳ درصد از کل پاسخگویان اظهار کردند قادر نیستند به مراکز تفریحی بروند ۴۱/۷ درصد فقط با همسر یا دوستان به مراکز تفریحی می‌روند، ۲۰/۷ درصد با اجازه همسر به مراکز تفریحی می‌روند و ۷/۷ درصد بدون اجازه یا دادن اطلاع به کسی به مراکز تفریحی

می‌روند. نتایج نشان می‌دهد که ۳۲/۳ درصد از کل پاسخگویان اظهار کردند قادر نیستند به خارج از شهر بروند ۳۲/۰ درصد فقط با همسر یا دوستان به خارج از شهر می‌روند، ۱۶/۷ درصد با اجازه همسر به خارج از شهر می‌روند و ۳/۰ درصد، بدون اجازه یا دادن اطلاع به کسی به خارج از شهر می‌روند.

جدول شماره ۸: توزیع وضعیت متغیر رفتن به اماکن مختلف

نام متغیر	فراوانی	درصد	نام متغیر	فراوانی	درصد
قادر نیستم به این مکان‌ها بروم	۲۹	۹/۷	قادر نیستم به این مکان‌ها بروم	۲۸	۹/۳
فقط با همسر یا دوستم می‌روم	۴۴	۱۴/۷	فقط با همسر یا دوستم می‌روم	۵۳	۱۷/۷
با اجازه همسر می‌روم	۸۶	۲۸/۷	با اجازه همسر می‌روم	۸۴	۲۸/۰
بدون اجازه و یا اطلاع کسی می‌روم	۹۸	۳۲/۷	بدون اجازه و یا اطلاع کسی می‌روم	۷۱	۲۳/۷
قادر نیستم به این مکان‌ها بروم	۱۸	۶/۰	قادر نیستم به این مکان‌ها بروم	۱۴	۴/۷
فقط با همسر یا دوستم می‌روم	۴۰	۱۳/۳	فقط با همسر یا دوستم می‌روم	۷۳	۲۴/۳
با اجازه همسر می‌روم	۷۹	۲۶/۳	با اجازه همسر می‌روم	۱۰۶	۳۵/۳
بدون اجازه و یا اطلاع کسی می‌روم	۹۵	۳۱/۷	بدون اجازه و یا اطلاع کسی می‌روم	۶۰	۲۰/۰
قادر نیستم به این مکان‌ها بروم	۲۵	۸/۳	قادر نیستم به این مکان‌ها بروم	۹۷	۳۲/۳
فقط با همسر یا دوستم می‌روم	۱۲۵	۴۱/۷	فقط با همسر یا دوستم می‌روم	۹۶	۳۲/۰
با اجازه همسر می‌روم	۶۲	۲۰/۷	با اجازه همسر می‌روم	۵۰	۱۶/۷
بدون اجازه و یا اطلاع کسی می‌روم	۲۳	۷/۷	بدون اجازه و یا اطلاع کسی می‌روم	۹	۳/۰

جدول شماره ۹: توزیع وضعیت متغیرهای وضعیت اوقات فراغت، تجربه مزاحمت خیابانی و عاملیت زنان را نشان می‌دهد. از آن جا که این سه متغیر فاصله‌ای هستند و در قالب طیف لیکرت سنجش شده‌اند، لازم شد مقایسه‌ای بین میانگین‌های نظری و واقعی صورت گیرد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین نمره تجربه مزاحمت خیابانی برای پاسخگویان برابر ۳۶/۱۲ است. این نمره در مقایسه نمره مورد انتظار که (۳۹) است پایین‌تر می‌باشد. میانگین نمره برای میزان استفاده از اوقات فراغت پاسخگویان برابر ۴۲/۶۰ است. این نمره در مقایسه مورد انتظار (۴۸) بیشتر می‌باشد و نشان می‌دهد که افراد از اوقات فراغت خوبی

برخوردار نیستند. نتایج نشان می‌دهد که میانگین نمره برای میزان عاملیت زنان برابر ۲۰/۳۳ است.

جدول شماره ۹: توزیع وضعیت متغیرهای مستقل فاصله‌ای

نام متغیر	تعداد مشاهدات	تعداد		انحراف معیار
		گویه	میانگین واقعی	
میزان تجربه مزاحمت‌های خیابانی	۲۷۳	۱۳	۳۶/۱۲	۱۰/۲۷
میزان استفاده از اوقات فراغت	۱۷۸	۱۶	۴۲/۶۰	۱۲/۶۵
کیفیت رابطه با همسر	۲۵۵	۹	۲۹/۱۲	۵/۳۳
عاملیت زنان	۲۶۹	۱۱	۲۰/۳۳	۵/۱۷

جدول شماره ۱۰: آزمون تفاوت میانگین نمره عاملیت زنان برحسب وضعیت اشتغال همسر است. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که مقدار F برابر ۵/۱۳ و معناداری ۰/۰۰۶ می‌باشد. از آن جا که مقدار خطا کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا می‌توان استنباط کرد که اشتغال همسر بر روی عاملیت زنان تأثیر معناداری داشته و نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد.

جدول شماره ۱۰: آزمون تفاوت میانگین نمره عاملیت برحسب وضعیت اشتغال همسر

وضعیت شغلی همسر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	معناداری
بین گروه‌ها	۲۵۶/۲۶	۲	۱۳۲/۶۳		۰/۰۰۶
درون گروه‌ها	۶۷۳۷/۷۳	۲۶۱	۲۵/۸۱	۵/۱۳	
کل	۷۰۰۲/۹۹	۲۶۳	-		

جدول شماره ۱۱ ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای و عاملیت زنان را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که مقدار همبستگی بین سن شوهر و عاملیت زنان برابر ۰/۱۸- می‌باشد. از آنجا که مقدار معناداری برابر ۰/۰۰۲ می‌باشد لذا فرضیه مذکور تأیید می‌شود و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. مقدار همبستگی بین میزان استفاده از رسانه‌ها و عاملیت زنان برابر ۰/۲۷ می‌باشد. از آن جا که مقدار معناداری برابر ۰/۰۳ می‌باشد لذا فرضیه مذکور تأیید می‌شود و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد.

همبستگی بین میزان استفاده از لوازم آرایشی و عاملیت زنان برابر $0/31$ - می‌باشد. از آن جا که مقدار معناداری برابر $0/000$ می‌باشد لذا فرضیه مذکور تأیید می‌شود و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. مقدار همبستگی بین میزان اوقات فراغت و عاملیت زنان برابر $0/33$ می‌باشد. از آن جا که مقدار معناداری برابر $0/000$ می‌باشد لذا فرضیه مذکور تأیید می‌شود و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد.

جدول شماره ۱۱: ضریب پیرسون بین متغیر سن شوهر و عاملیت زنان

همبستگی	میانگین	انحراف معیار	همبستگی	معناداری
سن شوهر	۳۷/۹۱	۹/۱۰	-۰/۱۸	۰/۰۰۲
استفاده از رسانه‌ها	۳۵۰/۸۱	۱۳۷/۰۹	۰/۲۷	۰/۰۳
تجربه مزاحمت‌های خیابانی	۳۶/۱۲	۱۰/۲۷	-۰/۳۱	۰/۰۰۰
کیفیت رابطه با همسر	۲۹/۱۲	۵/۳۳	۰/۲۹	۰/۰۰۰
میزان اوقات فراغت	۴۲/۶۰	۱۲/۶۵	۰/۳۳	۰/۰۰۰

آزمون مدل: رگرسیون چندگانه

در پژوهش حاضر از آماره رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام^۱ استفاده شده است. در این روش متغیرهای مختلف به ترتیب میزان اهمیت در تبیین متغیر وابسته وارد معادله می‌شوند. نتایج حاصل از معادله رگرسیونی مربوط به تحلیل چندگانه متغیرهای مستقل جهت پیش‌بینی متغیر عاملیت زنان نشان می‌دهند که در این معادله چهار متغیر میزان وضعیت اوقات فراغت، تجربه مزاحمت‌های خیابانی، کیفیت رابطه با همسران و میزان استفاده از رسانه‌ها وارد معادله رگرسیونی شدند. آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای چهار متغیر مذکور در سطح معناداری قرار دارد. این چهار متغیر روی هم‌رفته توانستند مقدار $0/43$ از تغییرات درونی متغیر وابسته را تبیین کنند. کمیت F با مقدار $10/04$ معنادار است که نشان می‌دهد تحلیل‌ها از اعتبار آماری لازم برخوردارند و حداقل یکی از متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته مؤثر است.

جدول شماره ۱۲ تحلیل چندگانه متغیرهای مستقل جهت پیش‌بینی میزان عاملیت

مرحله	نام متغیر	B	Beta	مقدار t	معناداری	R ²	آزمون فیشر	معناداری	
۱	وضعیت اوقات فراغت	۳/۱۰۲	۰/۳۳	۴/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۳۴			
۲	تجربه مزاحمت خیابانی	-۳/۳۵	-۰/۱۷	-۲/۵۲	۰/۰۱۲	۰/۳۹	۱۰/۰۴	۰/۰۰۰	
۳	کیفیت رابطه با همسران	۱/۳۴	۰/۱۵	۲/۲۲	۰/۰۲۷	۰/۴۱			
۴	استفاده از رسانه های جمعی	۲/۵۶	۰/۱۴	۲/۰۰	۰/۰۴۷	۰/۴۳			
					Constant=۲۵/۲۳		Durbin-Watson =۱/۷۰۴		

بر این اساس معادله رگرسیون چندمتغیره در پژوهش حاضر به این صورت می‌باشد:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

$$\text{عاملیت زنان} = ۰/۳۳ (\text{وضعیت اوقات فراغت}) + ۰/۱۷ (\text{تجربه مزاحمت خیابانی}) + ۰/۱۵ (\text{کیفیت رابطه با همسران}) + ۰/۱۴ (\text{استفاده از رسانه های جمعی}) + e_i$$

مدل علی تحلیل مسیر

میزان R^2 در این تحلیل ۰/۴۳ می‌باشد. در مقابل R^2 عدد مهم دیگری به نام ضریب خطا یا ضریب پس‌ماند وجود دارد که آن را با e نشان می‌دهند، ضریب خطا میزان تأثیر عوامل غیر از متغیرهای مدل است و به عبارت دیگر ضریب خطا نسبت واریانس توضیح داده نشده توسط مدل تحلیلی است. برای نشان دادن مقدار واریانس تبیین نشده باید مقدار خطا را به توان دو برسانیم. $e^2 = ۰/۵۷$ بنابراین می‌توان گفت که ۰/۵۷ واریانس را مدل تبیین نکرده است و ۰/۴۳ آن به وسیله متغیرهای مستقل پژوهش تبیین شده است که این برازش خوبی از مدل را نشان می‌دهد. همان‌طور که در مدل مسیر مشاهده می‌شود، وضعیت اوقات فراغت با ضریب مسیر ۰/۳۳ از میان متغیرهای تعریف شده به‌عنوان قوی‌ترین متغیر تأثیرگذار بر میزان عاملیت زنان در این مدل شناخته شده است که تأثیر آن بر میزان عاملیت زنان به صورت مستقیم و مثبت است. براساس نتایج حاصل می‌توان گفت متغیر میزان درآمد بیشترین تأثیر غیرمستقیم بر میزان عاملیت زنان داشته است. جهت تعیین اثرات غیرمستقیم یا مسیر غیرمستقیم، ضرابی که در امتداد آن مسیر قرار گرفته‌اند، در هم ضرب می‌شوند. در زیر به محاسبه اثرات غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر عاملیت زنان پرداخته شده است.

$$\text{محل تولد} = (0/21) \times (0/33) = 0/069$$

$$\text{تحصیلات} = (-0/15) \times (0/17) + (0/09) \times (0/33) + (0/22) \times (0/15) = (0/025) + (0/029) + (0/033) = 0/087$$

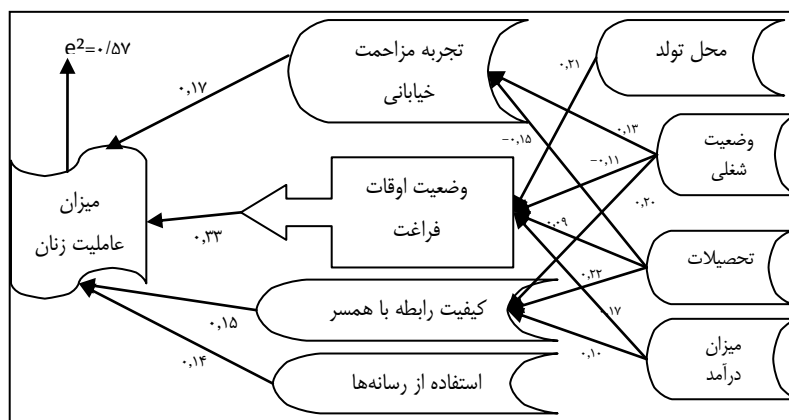
$$\text{وضعیت شغلی} = (0/17) \times (0/13) + (-0/11) \times (0/33) + (0/20) \times (0/15) = (0/022) + (0/036) + (0/03) = 0/088$$

$$\text{میزان درآمد} = (0/17) \times (0/33) + (0/10) \times (0/15) = (0/056) + (0/056) = 0/11$$

جدول شماره ۱۳ اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل هر یک از متغیرها بر عاملیت زنان را طبق مدل تجربی پژوهش نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۳: اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر میزان عاملیت زنان

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
وضعیت اوقات فراغت	0/33	----	0/33
تجربه مزاحمت خیابانی	-0/17	----	-0/17
کیفیت رابطه با همسران	0/15	----	0/15
استفاده از رسانه های جمعی	0/14	----	0/14
وضعیت شغلی	----	0/088	0/088
میزان درآمد	----	0/11	0/11
تحصیلات	----	0/087	0/087
محل تولد	----	0/069	0/069



مدل شماره ۲: نتایج حاصل از مدل تجربی پژوهش پژوهش با روش تحلیل مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه یک جامعه مطلوب، پویا و کارآمد بی‌شک نیازمند اهتمام و التزام کارگزاران رسمی در فرایند اعمال شاخصه‌های مدیریت نوین نظیر ارتقاء و افزایش سطح کمی و کیفیت مشارکت و عاملیت نهادهای مدنی و گروه‌های اجتماعی از جمله زنان به‌عنوان بخش چشمگیر جمعیت فعال و مؤثر می‌باشد. در این راستا زمینه‌هایی برای زنان وجود دارد که میزان دسترسی و مالکیت و قدرت بر آن‌ها می‌تواند زمینه فاعل بودن و عاملیت شان را در جامعه تقویت و بازتولید نماید. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که از کل پاسخگویان بیش از ۳۵ درصد آن‌ها رفتار خشونت‌آمیز با همسرانشان ندارند. به تعبیری روابط آن‌ها دوستانه می‌باشد. از طرفی حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که تا حدودی قدرت تصمیم‌گیری بعد از ازدواج با اجازه شوهر است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که حدود ۴۳/۳ درصد از افراد پاسخگو اعلام کردند که با شوهرشان رابطه خیلی خوب دارند، ۶۴/۳ درصد از افراد اعلام کردند که قدرت تصمیم‌گیری در مورد خریدهای کلان منزل بعد از ازدواج با همفکری زن و شوهر می‌باشد. در مورد قدرت تصمیم‌گیری در مورد ملاقات با دوستان، خانواده و بستگان نتایج نشان می‌دهد که از کل پاسخگویان ۶۷/۳ درصد اعلام کردند که با همفکری زن و شوهر می‌باشد.

از جمله نتایج حاصل از این مطالعه کیفیت رابطه زنان با همسران می‌باشد. نزدیک به ۸۵ درصد از زنان در این مطالعه اظهار داشتند که رابطه خوب و یا خیلی خوبی با همسران خود دارند. همبستگی به‌دست آمده بین کیفیت رابطه با همسر و میزان عاملیت زنان برابر با ۰/۲۹ می‌باشد که در سطح حداقل ۰/۹۵ معنادار می‌باشد. از آن‌جا که این رابطه صرفاً محدود به مسائل جنسیتی نمی‌شود و روابط اجتماعی، خانوادگی، درک متقابل طرفین، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و روزمره و هم‌چنین مالکیت داشتن خانم‌ها بر برخی از امور خانوادگی را شامل می‌شود؛ در صورتی که زنان در این رابطه با همسر خود احساس حمایت از طرف همسر، مشارکت و هم‌چنین اعتماد متقابل داشته باشد، می‌تواند به عنوان یک عضو فعال و عامل در خانواده باشد و از طرفی هم به تقویت روابط اجتماعی

خانوادگی می‌تواند کمک مؤثر نماید. این نتیجه به صورت غیرمستقیم با مطالعه یونت و همکاران (۲۰۱۵)، رفعت‌جاه (۱۳۹۰) و آدلمن (۲۰۰۸)، همسو اشد.

یکی دیگر از عوامل مرتبط با عاملیت زنان، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که استفاده از رسانه‌ها، باعث تقویت عاملیت زنان در جامعه می‌شود. رسانه‌ها به‌عنوان عنصر جدایی‌ناپذیر عرصه زندگی و توسعه؛ نقش زیادی در ایجاد این نابرابری، کلیشه‌سازی‌های جنسیتی، القا عدم اعتماد به نفس، سطحی‌گرایی و سطحی‌اندیشی، عادی جلوه دادن قالب‌ها و کلیشه‌های جنسی مردانه و... در جامعه دارند. نتایج حاصل از این متغیر با مطالعه رفعت‌جاه (۱۳۹۰) و آدلمن (۲۰۰۸)، اعظم‌زاده (۱۳۸۵) و کتابی و همکاران (۱۳۸۲) تا حدی همسو می‌باشد.

یکی از عوامل مرتبط با عاملیت زنان در جامعه تغییر شیوه‌های گذران اوقات و اوقات فراغت زنان در جامعه شهری امروزه است. نتایج نشان می‌دهد که مقدار همبستگی بین میزان اوقات فراغت و عاملیت زنان برابر $0/33$ می‌باشد. از آن جا که مقدار معناداری برابر $0/000$ می‌باشد. این نتیجه با مطالعات رفعت‌جاه (۱۳۹۰)، یونت و همکاران (۲۰۱۵)، آدلمن (۲۰۰۸) و پهادکه (۲۰۱۲) همسو می‌باشد. زنان در جوامع سنتی فرزندان زیادی داشتند و اوقات فراغتی برای آنان باقی نمی‌ماند و لذا تفریح آنان به گردش‌ها و مهمانی‌های خانوادگی محدود می‌شد. بنابراین عامل بودن آن‌ها و فاعل بودن شان، در دامنه محدودی قرار داشت. از طرفی در این گردش‌ها با وجود معاشرت زن و مرد نامحرم در جمع خانوادگی، تقسیم کار به‌گونه‌ای بود که زنان از قبل غذا می‌پختند و خوردنی‌ها را تدارک می‌دیدند؛ اما در جامعه شهری امروز ایران، خانواده هسته‌ای کم‌اولاد است و کار خانگی به‌واسطه فناوری خیلی سبک‌تر شده است، این وضعیت باعث گردیده زنان هر روز ساعتی را به‌عنوان اوقات فراغت داشته باشند. از طرف دیگر امکانات و فضاهای فراغتی نیز بیشتر، ارزان‌تر، در دسترس‌تر و متنوع‌تر شده‌اند. امروزه کنش‌هایی چون قدم زدن در خیابان، پاساژگردی، تماشای سریال‌های ماهواره‌ای و... از رفتارهای فراغتی است که زنان بیشتر به آن متمایل می‌شوند و عموماً آسیب‌های فردی و اجتماعی بسیاری هم در پی دارد. به‌همین دلیل هدفمندسازی تجربه فراغتی زنان از طریق سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در خصوص

ظرفیت‌ها و فرصت‌های فراغت، می‌تواند ساخت‌دهنده ذهنیت و هویت جنسیتی خانواده و زنان باشد؛ زیرا به بیان روجک درست در فراغت است که ما بیش از هر زمان دیگری در معرض اطلاعات و سیاست‌گذاری‌های مربوط به حقوق، مسئولیت‌ها، سبک زندگی و خطرات آن قرار می‌گیریم (روجک، ۱۳۸۸: ۱۵). بنابراین زنان اوقات فراغت خود را به هنر جدید، مطالعه، مصارف فرهنگی مرتبط با آنچه فرهنگ بالا خوانده می‌شود، مشارکت در فضای عمومی، معاشرت بیشتر با دوستان به‌جای خویشان، بیشتر جدا شدن از وظایف سنتی زن خانه داری و دوری از آشپزخانه و توجه بیشتر به کنترل بدن و سلامتی را در پی دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عاملیت بودن زنان و داشتن قدرت می‌تواند میزان گذراندن اوقات فراغت را در میان زنان افزایش دهد. با توجه به اینکه همبستگی مثبت است می‌توان گفت که رابطه مستقیمی بین میزان گذراندن اوقات فراغت و عاملیت زنان وجود دارد.

یکی از عوامل مرتبط با عاملیت زنان که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت، تجربه مزاحمت‌های خیابانی است. در این مطالعه نیز میانگین مزاحمت‌های خیابانی برای زنان ۳۶/۱۲ است که البته پایین‌تر از متوسط آن در جامعه است. از طرفی رابطه این متغیر با عاملیت زنان دارای همبستگی معکوس است. نتایج نشان می‌دهد که هر اندازه زنان تجربه مزاحمت خیابانی بیشتری داشته باشند، عاملیت آن‌ها در جامعه کمتر شده و مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. اوضاع نامطلوب و نابسامانی‌های محیط‌های بزرگ شهری به‌خصوص بی‌ثباتی نسبی در هنجارهای فرهنگی که زندگی ماشینی و کارگری و اقتصاد صنعتی به‌دنبال آورده است. رعایت اصول اخلاقی و پوشش اسلامی؛ پرهیز از همراهی با دوستانی که از لباس و آرایش‌های نامناسب و جلب‌کننده مزاحمین، استفاده می‌نمایند، تغییر نگرش مردم باید درباره قباحات مزاحمت‌های خیابانی، وظیفه عمومی جامعه در حراست محیط از آلودگی‌های اخلاقی و ضرورت فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند در این زمینه نقش موثری داشته باشد. نتیجه به‌دست آمده با مطالعه پهادکه (۲۰۱۲) و آدلن (۲۰۰۸) همسو می‌باشد.

می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مهم‌ترین راهکارها برای از بین بردن خیلی از مشکلات زنان، توانمندسازی و عامل کردن آن‌ها است که راهی برای هدایت زنان به سوی فعالیت‌های تولیدی و درآمد، فعالیت‌های مشارکتی و سیاسی است. تقویت شبکه‌های اجتماعی دختران نوجوان می‌تواند موجب کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها در حیطه‌های بهداشتی و اقتصادی بشود. اجرای استراتژی‌هایی مثل استراتژی ارائه خدمات مالی (شیوه وام‌های کوچک، طرح پس‌انداز جوانان، آموزش دانش مالی)، استراتژی اشتغال (آموزش فنی و حرفه‌ای، انتقال از مدرسه به اشتغال) و استراتژی مهارت‌های زندگی و حمایت اجتماعی (ایجاد شبکه‌های اجتماعی و ارائه خدمات بهداشت باروری و آموزش برقراری عدالت جنسیتی) می‌تواند عاملیت زنان را در جامعه تقویت نماید. اختصاص یک شبکه تلویزیونی یا ساعات خاصی از آن به زنان، با مدیریت و اجرای خود آن‌ها، به‌منظور بیان نیازها و مطالبات و دیدگاه زنان و هم‌چنین آموزش و تشویق زنان، برای ورود به عرصه توسعه با تقویت حس اعتماد به نفس آنها توسط رسانه‌ها می‌تواند عاملیت زنان را در جامعه تقویت و مدیریت نمایند.

منابع

- اسکندری، فریبا (۱۳۸۸) زن، اشتغال و توسعه، مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- اعظم آزاده، منصوره (۱۳۸۵). اشتغال زنان؛ گرایش به کار و تئوری‌های رضایتمندی شغلی، دو فصلنامه بانوان شیعه، ۳(۹)، ۲۱-۳۷.
- بابایی زکلیکی، محمدعلی (۱۳۸۵) چالش‌های زنان برای ارتقا به مشاغل مدیریتی در سازمان‌های دولتی، فصلنامه مدرس علوم انسانی ویژه نامه مدیریت، دوره دهم، شماره (پیاپی ۴۶)، ۴۵-۸۱.
- پهلوان، احسان. (۱۳۸۳) بررسی موانع موجود برای احراز پست‌های مدیریتی توسط زنان در ادارات دولتی شهرستان رامسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، رشته مددکاری علوم اجتماعی، تهران.
- توکلی والا، ژاله (۱۳۸۵) بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان ایران دهه‌های اخیر، تهران: دفتر مرکزی خبرگزاری زنان ایران.
- جزئی، نسرین (۱۳۷۸) مدیریت منابع انسانی، تهران، نشر نی.
- جعفرنژاد احمد، اسفیدانی محمدرحیم (۱۳۸۴) وضعیت زنان در اشتغال و مدیریت مطالعه موردی ایران، فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۳(۷)، ۷۷-۱۰۳.
- جواهری فاطمه، سراج زاده سیدحسین، رحمانی ریتا (۱۳۸۹) تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی: زنان شاغل در وزارت جهاد کشاورزی)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۸(۲) (پیاپی ۲۹)، ۱۴۳-۱۶۲.
- خادمی، سمانه (۱۳۹۳) بررسی نقش مشارکتی زنان در مناسبات اجتماعی، شبکه ایران زنان، روزنامه ابتکار، http://www.iranzanan.com/point_of_view/cat_5/005774.php
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۷) لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رفعت‌جاه مریم، قربانی سمیه (۱۳۹۰) تاثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقا شغلی زنان، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۹(۱) (پیاپی ۳۲)، ۱۱۷-۱۴۶.
- روجک، کریس (۱۳۸۸) اصول و تجربه‌ها، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران.
- سفیری، خدیجه و سارا ایمانیان (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی جنسیت، تهران، نشر جامعه‌شناسان.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۱) توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دستان، چاپ اول.

- صفوی، عیسی؛ بهار ضمیران؛ معصومه معارف وند و ملیحه عرشی (۱۳۹۳) توانمندسازی اقتصادی دختران و زنان جوان در کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۳(۴)، ۳-۱۲.
- کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستابی (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱(۷)، ۵-۳۰.
- کرایب یان (۱۳۸۸) نظریه اجتماعی مدرن؛ ترجمه: عباس. مخبر، تهران: انتشارات آگاه.
- گیدنز آنتونی (۱۳۷۱) بحران جامعه‌شناسی غرب، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ دهم، تهران، نشر نی.
- گیدنز آنتونی (۱۳۸۷) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز.
- لانگه، سارا (۱۳۷۲) معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، تهران، نشر روشنگران.
- موحد مجید؛ غفاری نسب اسفندیار، حسینی مریم (۱۳۸۹) آرایش و زندگی اجتماعی دختران جوان، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۸(۱) (پیاپی ۲۸)، ۷۹-۱۰۵.
- Adelman, M. (2008) "The Beautiful and the Object" Gender, Identity and Constructions of the Body in Contemporary Brazilian Culture, *London Journal of Sociology*, Vol. 185, No. 6.
- Chafetz J.S. (2006). Theoretical Understanding of Gender, in Turner J. H. (ed) *Handbook of Sociological Theory*, Springer, 613-631.
- Cockerham, W.C. (2005) Health lifestyle Theory and the Convergence of Agency and Structure, *Journal of Health and Social Behavior*, Vol. 46, pp. 51-67.
- Kabeer, Naila. (2000) *Reflections on the Measurement of Women's Empowerment*, In: Discussing Women's Empowerment: Theory and Practice. SIDA: Swedish International Development Cooperation Agency.
- Malhatra, S.R. schuler and C. Boender (2002) *Measuring Womens Empowerment as a Variable in International Development*, <http://sitere sources.worldbank.org>
- Phadke, Shilpa (2012) *The Gendered Usage of Public Space" in Fear that Stalks: Gender-based Violence in Public Spaces*, edited by Lora Prabhu and Sara Pilot, New Delhi: Zubaan.
- Ugbomeh, M.M. Gorge, (2001) Women empowerment in agriculture education, for substionable roral development, *oxford university press and community development journal*, Vol. 36, No. 4, 289-302.

- Yount, M.K.; VanderEnde, E.K.; Dodell, S.; Cheong, F.Y. (2015) Measurement of Women's Agency in Egypt: *A National Validation Study*, *Soc Indic Res*, DOI 10.1007/s11205-015-1074-7, 1-22.
- Yount, M.K.; VanderEnde, E.K.; Dodell, S.; Cheong, F.Y. (2015) Measurement of Women's Agency in Egypt: A National Validation Study, *Soc Indic Res*, DOI 10.1007/s11205-015-1074-7, pp. 1-22.
- Allendorf K. (2012) Women's Agency and the Quality of Family Relationships in India, *Popul Res Policy Rev*, Vol. 31, 187–206.
- Hilber, A.M.; Kenter, E.; Redmond, S.; Merten, S.; Bagnol, B.; Lowa, N.; Garside R. (2012) Vaginal practices as women's agency in Sub-Saharan Africa: A synthesis of meaning and motivation through meta-ethnography, *Social Science & Medicine*, Vol. 74, 1311-1323.
- Ana M.G.R.; Esther T.M.P. (2015) Addressing women's agency on international mobility, *Women's Studies International Forum*, Vol. 49, 1-11.